

This file has been cleaned of potential threats.

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.



The Harem of Tehran Citadel during the Qajar Period

 **Fatemeh Panahi¹**

Received Date: 10 September, 2024

Accepted Date: 21 December, 2024

Abstract

Today, no trace remains of the harem quarters of the Tehran Citadel, buildings that once served as the royal residence for Qajar kings and their wives. These spaces were where the royal family's domestic life unfolded, carefully guarded to prevent outside access. Consequently, the lives of the women who resided there were shrouded in mystery, hidden from public view. This secrecy sparked immense curiosity, particularly among foreign travel writers, who speculated about life within the harem. As a result, we only have limited pictures and maps to imagine its appearance, and there are few detailed descriptions of it. This article explores the structure of the citadel's harem and its interaction with the lives of its residents. By applying Rapoport's views, we found that the residents' lifestyle directly influenced the design and structure of the space, with the position of women playing a key role in shaping it. To address the article's central question, we focused on understanding the position and role of the king's wives within this unique environment. In this effort, we defined the concept of the harem and investigated the general status of court women, tracing the historical evolution of the harem system over time. We examined the evolution of the royal harem's structure based on primary sources, from the Karim-Khan Zand period to its eventual destruction during the Pahlavi dynasty. Through this investigation, we found that this section of the citadel developed into a glorified residence for the shah's female associates during the reigns of Fath-Ali Shah and Naser al-Din Shah. This expansion was facilitated by the large number of wives they kept in their court and the financial resources available to support them. However, the glamour of the royal harem in the late Qajar period is less documented, largely due to the significant decline in royal income. In the final section, we identified key factors illustrating the position of the king's wives within the harem's dynamic and evolving structure. Ultimately, we concluded that the collective lifestyle of harem women contributed to its complexity and expansion. The divisions within this structure were shaped by the status of each court lady in relation to other women, the king, his mother, and the household's servants. Women of higher status enjoyed more privileges, including larger, more luxurious living spaces and a greater number of servants to attend to them. Residences for servants and eunuchs were carefully designed to support their responsibilities in serving and protecting the harem's women, ensuring the maintenance of their positions and status.

Keywords: Citadel of Tehran, Qajar, women, Harem.

1. M. A. in Iranian Architectural Studies, School of Architecture and Urban Planning, Iran University of Art, Tehran, Iran.
Email: panahi.fatemeh.1377@gmail.com



حرمخانه ارگ تهران در دوره قاجار*

فاطمه پناهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

چکیده

امروزه از عمارات حرمخانه ارگ تهران، اثری برجای نمانده است. عماراتی که در روزگاری نه چندان دور، خوابگاه پادشاهان قاجاری و مسکن زنانشان بود. جایی که زندگی خانوادگی شاه در آن جریان داشت و از این رو به خوبی از آن حراست می‌شد و هر کسی به آن راه نمی‌یافت. بنابراین وضع زندگی زنانی که در این بخش ارگ می‌زیستند، از نظر دیگران پوشیده می‌ماند و همین باعث کنجکاوی بیشتر افراد، به ویژه سفرنامه‌نویسان فرنگی می‌شد. بدین ترتیب در این مقاله بر آن شدیم تا به بررسی ساختار حرمخانه ارگ و تعامل آن با زندگی ساکنانش بپردازیم. با بررسی آرای راپاپورت دریافتیم که سبک زندگی ساکنان بر کالبد خانه اثرگذار و در این اثرگذاری، موقعیت زنان خانه نقش روشنی دارد. بنابراین تلاش کردیم با تمرکز بر شناخت موقعیت همسران شاه به پاسخ مقاله نزدیک‌تر شویم. در این راه ضمن تعریف مفهوم حرمخانه، به جایگاه کلی زنان دربار و سیر تحولات حرمخانه پرداختیم و در بخش‌هایی مولفه‌هایی را برشمردیم که موقعیت زنان شاه را در ساختار متغیر حرمخانه تثبیت می‌کرد. در نهایت به این رسیدیم که شیوه زندگی جمعی زنان در حرمخانه سبب گستردگی و پیچیدگی ساختار آن می‌شده است و تقسیمات این ساختار معطوف به جایگاهی بوده است که هر بانوی درباری در نسبت با بانوان دیگر، شخص شاه، مادر او و سایر خدمه داشته است. در این میان هرچه جایگاه بانویی بالاتر بوده است، خدمه بیشتر و در نتیجه فضای بزرگتری در اختیار داشته است و عمارت او از جملات بیشتری برخوردار می‌شد. در این میان منازلی که به خدمه و خواجگان اختصاص داشت هم به خوبی در راستای وظایف آنان در قبال بانوان حرم و حفاظت از موقعیت ایشان بوده است.

واژگان کلیدی: ارگ تهران، قاجار، زنان، حرمسرا.

۱. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران.

مقدمه

زندگی زنان در عهد قاجار همواره موضوعی جالب و رازآلود بوده است؛ به گونه‌ای که هم سفرنامه‌نویسان آن روزگار در تقلاي شناختش بودند و هم پژوهشگرانی که امروزه به تاریخ رجوع می‌کنند. در این میان، زنانی که در حرمخانه شاه جای می‌گرفتند در مرکزیت توجه قرار داشتند و اوصاف ضدونقیضی از زندگی جمعی آنان برای ما برجای مانده است. چراکه این زنان در محدوده‌ای از ارگ می‌زیستند که ورود به آن با ملاحظاتی همراه بوده است، محدوده‌ای که بارها دستخوش دگرگونی می‌شود تا پذیرای ساکنانش باشد و در نهایت با افول سلسله قاجار به کلی تخریب می‌شود و اثری از آن جز متونی که بسته‌گریخته در وصفش نوشته شده است و تعدادی عکس باقی نمی‌ماند، از این رو به دنبال آنیم که بدانیم شیوه زندگی زنان شاه بنابر موقعیت آنان چه نسبتی با شکل‌گیری حرمخانه ارگ سلطنتی تهران در عهد قاجار داشته است. در این راه ابتدا به پیشینه موضوع خواهیم پرداخت و در چارچوب نظری نسبت بین محیط ساخته‌شده، شیوه زندگی و موقعیت زنان خانه را در آن روشن خواهیم کرد. سپس با توجه به متون دسته اول، به مفهوم حرم و حرمخانه، موقعیت زنان سلطنتی و حرمخانه ارگ می‌پردازیم و در نهایت مؤلفه‌هایی که موقعیت زنان سلطنتی را در کالبد حرمخانه تثبیت می‌کرده است، روشن خواهیم ساخت.

پیشینه

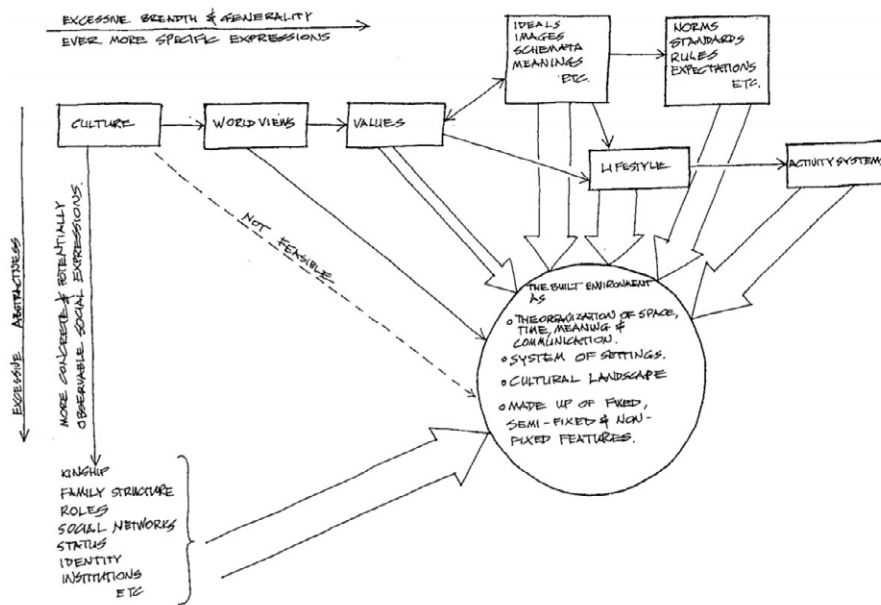
برای شناخت حرمخانه ارگ تهران، می‌توان به منابع دست‌اولی همچون روزنامه‌ها، خاطرات و سفرنامه‌های عهد قاجار روی آورد. در خاطرات ناصرالدین شاه به همراه اعتمادالسلطنه، معیرالممالک و سایر افرادی که به دربار رفت‌وآمد داشتند، گاهی می‌توان توصیفات از وقایع اندرونی را پیدا کرد. همچنین خاطرات زنان اندرون، همچون خاطرات تاج‌السلطنه و سفرنامه زنان اروپایی مانند لیدی شیل هم زوایایی از فضای اندرون و حال و هوای آن را بر ما روشن می‌کند. از دیگر افرادی که به اندرون راه می‌یافتند یا از آن خبر داشتند، پزشکان اروپایی همچون پولاک و فوریه بودند که کتاب‌هایشان به یادگار مانده است. از سوی دیگر تصاویری محدود و نقشه‌هایی مانند نقشه کرشیش و عبدالغفار نیز تا حد زیادی ما را در فهم دقیق‌تر تحولات حرمخانه یاری می‌دهند.

اگر هم بخواهیم به سراغ منابع دست‌دوم برویم، کتاب یحیی ذکاء به نام «تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان» یکی از منابع سرشناس و قدیمی در این زمینه است. همچنین سحر برزویی در پایان‌نامه‌اش به مجموعه ارگ و کارکرد بناهای آن در عهد ناصری توجه داشته است و شرح مختصری از عمارت‌های حرمخانه با تکیه بر نقشه‌های موجود آورده است (برزویی، ۱۳۹۲، ۱ و ۹۳). در شماره ششم فصلنامه داخلی کاخ گلستان، کاغذ اخبار، درباره بازنمایی مجموعه اندرونی ارگ تهران در اواخر دوره ناصری صفحاتی نوشته شده است. عباس خاکسار نیز در پایان‌نامه‌اش، عوامل شکل‌گیری و گسترش ارگ سلطنتی از دوره صفویه تا قاجار را بررسی کرده است. از یافته‌های او می‌توان به معرفی خلوت کریم‌خانی به عنوان بخشی از حرمسرا و مکان‌یابی منزل تاج‌الدوله اشاره کرد (خاکسار، ۱۳۹۷، ۱، ۱۵۷ و ۱۵۹). او همچنین حاصل بررسی‌هایش را در کتابی با عنوان «ارگ سلطنتی طهران کاخ گلستان» به چاپ رسانده‌اند. فرشته درویش زانوسی هم در پایان‌نامه خود به سیر تحولات کالبدی عمارت‌های باغ گلستان اشاره داشته است. او مشخصاً در مقاله جداگانه‌ای به تحولات حرمخانه پرداخته است و با توجه به ساخت عمارت فروغ‌السلطنه و خوابگاه شاه به تکرار الگوی «خانه در میان حیاط» در حرمخانه رسیده است (زانوسی، ۱۳۹۹، ۲۳ و ۲۵ و ۵۲ و ۵۳). از آخرین پژوهش‌های چاپ شده در این زمینه هم کتاب «از باغ گلستان تا کاخ گلستان» است که کلیه بناهای ارگ را براساس سیر تاریخی مطالعه کرده است (معتقدی و ناموریکتا، ۱۴۰۰، ۱۱). همچنین پژوهش‌هایی هم هستند که با رویکردی جنسیتی به مطالعه خانه‌های قاجاری و دربار شاهی در این عهد پرداخته‌اند. از پژوهش‌های برجسته در این زمینه می‌توان به پایان‌نامه نیلوفر رسولی اشاره کرد. او به دنبال عواملی

رفته است که ساختار فضایی در خانه‌های اعیانی قاجار را جنسیت می‌بخشیده است (رسولی، ۱۳۹۷، خ). با مرور پیشینه می‌توانیم بگوییم که بخش بیشتری از پژوهش‌های یادشده تنها به شناسایی عمارت‌های کاخ گلستان، سیر تحولات و ساخت و سازهای آن پرداخته‌اند. در این میان تعداد محدودتری تنها بر بخش اندرونی تمرکز داشته‌اند و آن را بررسی کرده‌اند. نتایج و یافته‌های این پژوهش‌ها می‌تواند پاسخگوی بخشی از پرسش ما درباره ساختار کالبدی حرمخانه باشد، اما کافی نیستند. از سوی دیگر پژوهش‌ها بودند که به دنبال مطالعه فضاهای جنسیتی به سراغ حرمسراهای دوره قاجاری از جمله حرمخانه ارگ رفته‌اند. این منابع اگرچه اطلاعات قابل توجهی درباره ساکنان حرمخانه و زندگی روزمره آنان در حصار اندرونی می‌دهند، اما این اطلاعات در راستای تقابل آن با فضای مردانه، بیرونی خانه اعیانی یا بیرونی مقرر سلطنتی است. تمرکز پژوهش حاضر اگرچه بر روی حرمخانه است که فضایی جنسیتی خوانده می‌شود، اما هدف اصلی آن شناخت سازوکارهایی نیست که به جنسیتی نامیدن فضا ختم می‌شود. هدف آن است تا نسبت محیط ساخته شده حرمخانه با شیوه زندگی زنان سلطنتی از رهگذر بررسی موقعیت آنان در ارگ سلطنتی بیشتر شناخته شود.

چارچوب نظری

از دیدگاه انسان‌شناسی معماری، خانه تنها یک شیء مادی و ساختمان صرف نیست (Stender, 2021, 31)؛ بلکه نهادی است که در راستای مجموعه مقاصد پیچیده انسانی پدید آمده است (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۷۷). پژوهش‌های بسیاری در زمینه شناسایی و نقش عوامل تأثیرگذار بر معماری خانه صورت گرفته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تحقیقات آموس راپاپورت، از پیشگامان مطالعات محیطی - رفتاری، اشاره کرد. راپاپورت معماری را ساخت‌وسازی در راستای تغییر آگاهانه محیط مادی، براساس قالب ذهنی نظام‌بخشی، می‌داند؛ ساخت‌وسازی که در وهله نخست منتج از عوامل اجتماعی - فرهنگی است (راپاپورت، ۱۳۸۲، ۶۹). وی کوشیده است تا مطالعات پیشین را، در قالب کلماتی روشن‌تر، بیان کند و پژوهش خود را در عوامل تعیین‌کننده اصلی تحدید نماید. راپاپورت اقلیم، نیاز به سرپناه، ساختمایه، فناوری ساخت، و ساختگاه را در دسته عوامل فیزیکی، و سه عامل اقتصاد، دفاع، و مذهب را از جمله مهم‌ترین عوامل اجتماعی برمی‌شمارد و با نگاهی نقادانه، به نقش هریک از این عوامل، در پیدایش و تغییر فرم خانه، می‌پردازد. وی دو ایراد بنیادین را بر این تحقیقات وارد دانسته است: نخست باور به جبر فیزیکی؛ و دوم وابستگی صرف فرم بنا به علتی واحد. او معتقد است که ناکامی این نظریات در رمزگشایی از پیچیدگی‌های ابنیه را باید در این دو ایراد اساسی جستجو کرد (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۴۰). وی ضمن اتخاذ دیدگاهی اعتدالی و نفی هرگونه جبرباوری، اولویت را با جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی می‌داند و فرضیه پایه خود را چنین بیان می‌کند: «فرم خانه تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هیچ عامل سببی واحدی نیست؛ بلکه حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی در وسیع‌ترین معنای آن می‌باشد. فرم توسط شرایط اقلیمی و شیوه‌های ساخت، مصالح موجود و تکنولوژی تغییر می‌کند. من نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه و دیگر نیروها را نیروهای ثانوی یا تغییردهنده می‌دانم.» (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۶۸ و ۷۷ و ۷۸) راپاپورت دو مسئله اساسی فرهنگ را گستردگی و کلیت بسیار و انتزاعی بودن آن می‌داند. او بر این باور است که آشکارسازی مفاهیم کلی و انتزاعی، از طریق تفکیک، مطالعه اجزا، مظاهر و طرق ارتباطی آن‌ها، یعنی تحلیل و سپس جمع بندی و ترکیب مجدد اجزا و متغیرها، روشی بسیار مناسب و کارآمد است. پس اگرچه استفاده از مفهوم انتزاعی فرهنگ در درک فرم ساخته‌شده بی‌فایده است، اما شکستن این مفهوم به نمودهای اجتماعی، استفاده از آن را ممکن می‌سازد. نمودهای اجتماعی همانند ساختار خانوادگی یا ایلی، روابط و رفتارها، رسوم مذهبی یا سبک زندگی برای ما ملموس‌ترند و معمولاً بر روی محیط ساخته‌شده تأثیرگذارترند. (Rapoport, 1990, 10-11)



شکل ۱. نمودار بیانگر رابطه فرهنگ و محیط ساخته شده
منبع: Rapoport, 2005, 98

راپاپورت نظرات خود را درباره عناصر تشکیل دهنده فرهنگ در نمودار فوق بیان کرده است، نموداری که چکیده تلاش‌های او است، در راستای عینی ساختن مفهوم فرهنگ و به کارگیری آن، در مطالعات ارتباط فرهنگ با محیط ساخته شده^۱. بنابراین نمودار، وی از سبک زندگی به عنوان یکی از اصلی‌ترین نمودهای عینی فرهنگ نام برده است. مفهوم سبک زندگی^۲ نیز اگرچه به طور کلی مفید است، اما باز هم چگونگی تأثیر آن بر فرم خانه همچنان به روشنی مشخص نیست؛ بنابراین راپاپورت این مفهوم را می‌شکافد و از واژگان ملموس‌تری برای شرح آن به استفاده می‌کند. از نظر او ۱. پاره‌ای از نیازهای اساسی ۲. خانواده ۳. موقعیت زن ۴. محرمیت^۳ ۵. مراودات اجتماعی از مهم‌ترین جنبه‌های سبک زندگی است که بر ساختار خانه اثرگذار است (Rapoport, 1969, 61). در این دسته‌بندی اگرچه می‌توان موقعیت زن را جنبه‌ای از نظام خانوادگی دانست، اما راپاپورت به دلیل ضرورت موشکافی در عوامل تأثیرگذار در فرم خانه، این عامل را مهم برشمرده و بخش جداگانه‌ای را به آن اختصاص داده است (راپاپورت، ۱۳۹۲، ۹۷).

بدین ترتیب ما در این مقاله به دنبال آن هستیم از این مفهوم سبک زندگی و نسبتی که راپاپورت میان این مفهوم با محیط ساخته شده شرح داده است وام بگیریم و آن را در شیوه زندگی زنان سلطنتی و حرمخانه بیابیم. با این حال، بررسی دقیق و جز به جز سبک زندگی زنان سلطنتی و بعد واکاوی نسبت آن با حرمخانه بسیار مفصل است. از این رو با توجه به موضوع اصلی مقاله، تمرکز متن پیش‌رو بیشتر بر روی آن وجهی از معنای سبک زندگی است که به موقعیت زن در ساختار خانوادگی/اجتماعی اشاره دارد و مولفه‌هایی را می‌جویم که تجلی‌گر این وجه در حرمخانه ارگ باشد.

حرمخانه

در کتاب «فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی: اصطلاحات و مفاهیم» آمده است: حرم، داخل یا گرداگرد مکان زیارتی و مقدس، مخصوصاً کعبه است. قسمتی از خانه است که مخصوص استراحت مردان، اقامت زنان و کودکان است و بیگانه و نامحرم حق ورود به آن را ندارد. حرم هر جایگاهی است که حرمت فوق‌العاده دارد و ورود به آن برای هرکسی میسر نیست. همچنین به معنای گرداگرد سرای و خانه، داخل خانه، اندرون سرای، محل اقامت اهل و عیال مرد، خانه زنان پادشاه و اعیان، اندرون، اندرون، سرای، حرمخانه، مشکو، حرمسرا، فغانستان،

شبستان، پرده‌سرا، پناهگاه هم است. حرم به معنای خانه شخص و اطراف آن که از تعرض دیگران در امان است (بهشتی و قیومی، ۱۳۹۸، ۹۹).

با رجوع فرهنگ‌های قدیمی‌تر همچون «برهان قاطع» و «انجمن آرای ناصری» درمی‌یابیم که «حرم» و «حرمسرا» در همین معنای امروزی در تعریف «فغانستان» و «شبستان» آورده شده و با آن‌ها مترادف است. شبستان در اینجا به معنی «شب‌خانه» است^۵، یعنی جایی که پادشاهان و سلاطین شب را در آن‌جا می‌گذرانند و «حرمسرای» و «خلوتگاه» و «درون خانه» آنان است. نقطه مقابل شبستان هم «روزستان» است و اشاره به عمارتی دارد که پادشاهان روز در آن‌جا می‌نشستند (برهان، ۱۳۸۰، ۵۶۱ و هدایت، بی‌تا، ۴۱۷).

در عهد قاجار، این دو کلمه یعنی «حرم» و «اندرون» معادل هم شناخته می‌شدند. در سفرنامه پولاک آمده است که زنان در اتاق‌های داخل منزل که به عربی «حرم» و به فارسی «اندرون» نامیده می‌شدند سکونت داشتند. حرم به معنی «مقدس» است و ورود آن برای هر مرد غریبه به شدت منع دارد (پولاک، ۱۳۶۸، ۱۵۶ و ۱۵۷).

همچنین از خاطرات و متون باقیمانده از عهد قاجار برویم، درمی‌یابیم که «حرم» (و اندرون) هم به مکان حرم و هم خطاب به ساکنان حرم به کار می‌رفته است. البته بیشتر اوقات در اشاره به قلمروی زنانه، از کلمه «حرمسرا»، «حرمخانه» یا همان اندرونی استفاده می‌شده است. برای مثال در خاطرات ناصرالدین شاه می‌خوانیم: «خلاصه با تمام حرم رفتیم بالاخانه [...] حرم توی بالاخانه نشستند.» یا «قورق شد حرم آمدند تجیر عقب چادر را بازکردیم رفتیم تو صحرا» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۹، ۱۸ و ۴۵) یا در تاریخ عضدی می‌خوانیم: «مرحوم ولیعهد [...] با مختصری از حرم به ایراون تشریف بردند» و «خاتون جان خانم» مشهوره به دختر اصفهانی از حرم‌های حضرت خاقان بود. (عضدالدوله، ۱۳۷۶، ۳۶)، اما در برخی صفحات دیگر همین کتاب زنان را «اهل حرم» خطاب می‌کند و در اشاره به اندرونی شاه نوشته است: «قلیل زمانی طوطی‌شاه در حرم به حالت احترام ماند» (عضدالدوله، ۱۳۷۶، ۴۶) یا در خاطرات دختر ناصرالدین شاه می‌خوانیم: «پدرم خیلی مسرور و بشاش به حرم آمده، نماز خواند و مشغول صحبت شد.» (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۷، ۵۸)

زنان سلطنتی

در خانواده‌های معتبر به دختران در سن دوازده یا سیزده سالگی جهیزیه می‌دادند و یک دختر خوش بر و بالا برای خانواده‌اش در حکم سرمایه بود. در این خانواده‌های متمول و اعیان، دختران از روی حساب و کتاب به خانه شوهر فرستاده می‌شدند و بیشتر وصلت‌ها به این منظور صورت می‌گرفت که دو خانواده سرشناس و مقتدر قوم و خویش بشوند و نفوذ بیشتری به هم بزنند (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ۱۹۴؛ ویلس، ۱۳۶۳، ۱۲۱ و پولاک، ۱۳۶۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۸ و ۱۴۹).

می‌توان گفت زیادی زنان شاه هم به خاطر آن بود که با ازدواج‌های متعددش می‌توانست ارتباط خود را با دوردست‌ترین و سخت‌راه‌ترین گوشه‌کنار کشور حفظ کند. دیگر آن که می‌توانست با زن گرفتن از نواحی مختلف، مردم آنجا را با خود همراه و علاقه‌مند کند. این‌گونه از طریق زانش با آنچه در سراسر کشور رخ می‌داد آگاه میشد و هم به واسطه آن‌ها با خویشاوندان متنفذ و نافرمانی که داشتند، می‌توانست با آن‌ها به گفتگو بپردازد (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴، ۱۷۵).

در این میان زنان عقدی معمولاً از خانواده‌هایی هم‌مطراز با مرد برای ازدواج انتخاب می‌شدند، زنان صیغه‌ای را معمولاً از طبقات پایین‌تری برمی‌گزیدند تا ضمن همسری، خدمتکار زن‌های عقدی خانه هم باشد. مردان از نظر تعداد زنان صیغه‌ای هیچ محدودیتی نداشتند و زنان صیغه هرگز ارزش زن عقدی را به دست نمی‌آوردند (شیل، ۱۳۶۲، ۸۶ و دلریش، ۱۳۷۵، ۲۶).

در حرمسرای شاه هم به همین ترتیب در میان زنان حرمخانه سلسله مراتب خاصی برقرار بوده است. عضدالدوله در کتابش به جایگاه زنان دربار فتحعلیشاه اشاره کرده و نوشته است که زنان شاه چند «نمره» بودند. نمره اول از خانواده سلطنتی و بزرگ‌زادگان معتبر ایران به حساب می‌آمدند و از احترام بالایی برخوردار بودند. به گونه‌ای که حتی شاه هم در حضور آنان به سایر طبقات التفات نمی‌کرد. این زنان همچنین روزی یک ساعت حق حضور در محضر شاه و مراسم سلام‌های رسمی را داشتند. حتی در این مراسم‌ها هم براساس «نمره» شان از هم تفکیک می‌شدند. به این معنا که زنان متعلق به شعب قاجاریه در یک سمت و مابقی در صنفی دیگر جای می‌گرفتند (عضدالدوله، ۱۳۷۶، ۱۲).

البته باید توجه داشت که در اندرون یا حرمسرا که به نوعی کانون خانواده و زندگی خانوادگی به حساب می‌آمد و نمی‌توان رفتار یا کنش افراد را صرفاً به جایگاه یا سلسله‌مراتبی خشک نسبت داد. زنان شاه قادر بودند با جلب نظر و محبت شاه این سلسله مراتب را بشکنند و به مقام بالاتری در حرم برسند، خواه از روی طلب محبت باشد و خواه برای کسب قدرت. چنانکه می‌گویند در آن زمان دختری به اصطلاح «سفید بخت» می‌شد که طرف توجه و مهر شوهرش قرار گیرد (فرمانفرمایان، ۱۳۹۳) چه شوهر پادشاه باشد چه گدای تون تاب (بامداد، ۱۳۴۷، ۷۰ و آداب معاشرت نسوان، ۱۳۹۴، ۴۹ و ۶۲).

برای مثال می‌دانیم که بر خلاف سلسله‌مراتبی که عضدالدوله شرح داده است، زنی که در دوره ناصرالدین شاه «سوگلی» بود و از همه زنان بیشتر مورد عنایت شاه قرار گرفت، «جیران» بود. با اینکه او دختری دهاتی بود، اما شاه به خاطر علاقه و محبتی که به او داشت یکی از زنان عقدی اش را طلاق داد و او را به عقد خودش درآورد. جیران در مراسم سلام زنان دربار به لقب «فروغ السلطنه» مفتخر شد و سایر زنان معتبر شاه مجبور به تعظیم و احترام به او می‌شوند (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ۲۳۰ و ۲۳۱).

همچنین درکنار حرمخانه مادر پادشاه نسبت به همسران او جایگاه بالاتری داشت. در آن زمان دختران و به خصوص پسرانی که خانواده تشکیل می‌دادند، این را وظیفه خود می‌دانستند که از مادرانشان پاسداری و احترام آنان را حفظ کنند. پادشاهان قاجاری هم از این قائده مستثنی نبودند و نه تنها جایگاه مادرشان را در حرم‌گرایی می‌داشتند، بلکه مقام مادر پادشاه از ملکه هم بالاتر شناخته می‌شد، دربار او مهم‌تر و گفته‌تر و نزد شاه نافذتر از هر کس دیگر بود (فرمانفرمایان، ۱۳۹۳).

در آن زمان تجملات در زینت بیشتر بود و زنان حرمسرا را آکنده از اشیا و اثاثیه تجملی و گران‌بها می‌کردند و برزندگی اجتماعی در زیادی بندگان و چاکران به نمایش گذاشته می‌شد (اولیویه، ۱۳۷۱، ۱۵۵ و ۱۵۹ و دروویل، ۱۳۸۸، ۷۳). بنابراین هر چه تعداد خدمه خانه‌های بیشتر بود، شان و حرمت صاحب‌خانه را بیشتر می‌رساند و وقتی می‌گفتند «فلان شخص آدم محترمی است» یعنی او صاحب غلام و کنیز است (ویشارد، ۱۳۶۳، ۱۹۱ و ویلس، ۱۳۶۳، ۱۳۹). در میان زنان اعیان هم هر که کنیزهای بیشتری داشت، از همه محترم‌تر به حساب می‌آمد (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ۲۹۸).

به جز احترام و برزندگی اجتماعی، خادمان حرمخانه نقش مهمی در رسیدگی به امور زنان شاه داشتند. در این میان نقش خواجگان از اهمیت بالایی برخوردار بود، چرا که مرادوات زنان داخل اندرون را با خارج از آن میسر می‌ساخت. آن‌ها را معمولاً برای نگهداری و نظارت بر خانم‌های اندرون می‌فرستادند تا به تنظیم امور حرمسرا، حفظ نظم و امنیت آن بپردازند. اجازه ورود و خروج زنان اندرون در دست خواجگان بود و هر مردی با همراهی آن‌ها می‌توانست در اندرون قدم بگذارد (دروویل، ۱۳۸۰، ۱۷۱؛ پولاک، ۱۳۶۸، ۱۶۱ و تاج‌السلطنه، ۱۳۷۷، ۱۳ و ۱۴).

حرمخانه ارگ تهران

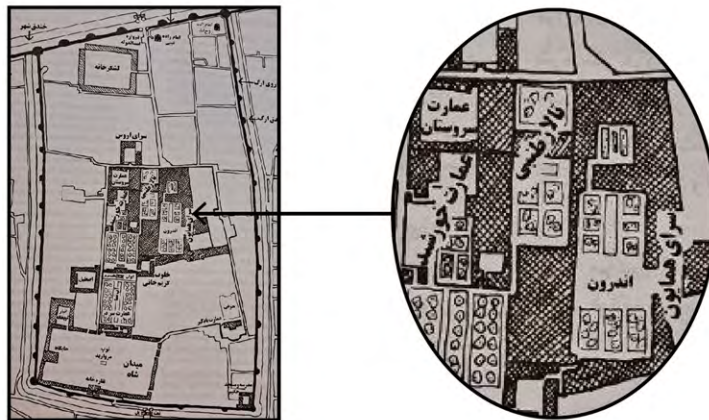
پیش از ۱۲۹۹ ق:

می‌گویند که کریم‌خان زند برای نخستین بار در ارگ تهران بنای اولیه حرمخانه را برپا کرد (روزنامه شرف، ۱۳۰۰، ۲) او در سال ۱۱۷۲ ق ارگ تهران را تماماً تصرف می‌کند و می‌کوشد این شهر را برای پایتخت شدن آماده کند. به فرمان کریم‌خان عمارت سلطنتی، دارالحکومه، حرمخانه و خلوت‌خانه در ارگ ساخته می‌شود (نوریخس، ۱۳۸۱، ۱۵۷ تا ۱۶۱). خاکسار معتقد است این حرمخانه همانی است که امروزه به خلوت‌خانه کریم‌خانی معروف شده و دارای اتاق‌هایی به دور حیاط مرکزی بوده است (خاکسار، ۱۳۹۷، ۶۵).

سرانجام با اینکه تهران از زمان زندیان برای پایتخت شدن در حال آمادگی بود، اما در زمان سلطنت آقا محمدخان، پایه‌گذار سلسله قاجار، رسماً به پایتختی برگزیده می‌شود. با این حال آقا محمدخان عمر فرمانروایی کوتاهی داشت و بیشتر آن را در جنگ گذراند. از این رو فرصتی برای تغییرات اساسی در ارگ و حرمخانه آن نداشت (نوریخس، ۱۳۸۱، ۱۹۹-۲۰۰).

پس از آقا محمدخان، فتحعلی‌شاه فرصت یافت تا به گسترش عمارت‌های حرمسرا بپردازد. چنان‌که در شکل ۲ مشهود است، اتاق‌های اندرون به دور حیاط بزرگی جای گرفته‌اند. ذکاء در کتابش عمارت‌هایی با اسامی «عمارت خورشید»، «عمارت سروستان»، «عشرت آیین» (یا همان تالار طنابی) و «عمارت بهشت آیین» را نیز از عمارت

حرمخانه خوانده است (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۴۲ و ۲۴۵). نام سه عمارت اول در نقشه کاملاً مشخص است و به محدوده عمارت بهشت‌آیین نیز در ادامه خواهیم پرداخت. در ذکر عمارت خورشید آمده است که این عمارت در پشت تالار سلطانی و ایوان سپهر قرار گرفته و پشت به شمال و رو به جنوب داشته است. فضای پیرامونی آن وسیع بوده است، باغی سرسبز و دریاچه‌ای با فواره‌های شاخص داشته است. (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۴۲ و ۲۴۵). عمارت خورشید در دوره سلطنت ناصرالدین شاه در بخش حرمخانه قدیم ارگ پاریرجا می‌ماند و محل اقامت نایب‌السلطنه و والدهاش می‌شود (معتقدی و ناموریکتا، ۱۴۰۰، ۱۱).



شکل ۲. بزرگنمایی محدوده حرمخانه در دوره فتحعلی‌شاه قاجار
منبع: معتقدی، ۱۳۸۱، ۱۴۲

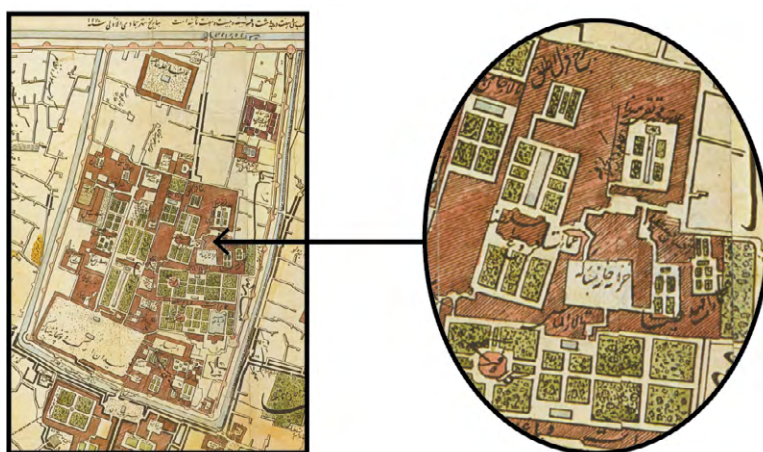
در ذکر عمارت سروستان هم گفته شده است که این کاخ در میان باغی روح‌افزا جای داشته است که دور تا دور آن را سروهای بلندی فرا گرفته بوده است و درون باغ با لاله‌های چتری زینت یافته بوده است (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۴۵). درباره ساکنان آن در عهد فتحعلی‌شاه آمده است که این عمارت ابتدا به ملک قاسم میرزا متعلق بوده است و سپس آن را با تمام اسباب و اثاثیه، جواهرات، کنیزان و خواجهگانش به بیگم خانم، والده یحیی میرزا و جهانسوز میرزا دادند (عضدالدوله، ۱۳۷۶، ۳۳).

دیگر عمارت حرمخانه تالار طنپی یا همان عمارت عشرت‌آیین بوده که در جنب عمارت خورشید جای داشته است. سقف بلند این تالار به شکل مجوف ساخته بودند تا صدای طنین تار مطربان در فضای آن دلنشین شود. فتحعلی‌شاه به نقاشان دستور می‌دهد تا در جانی از آن تصاویری از رزم او با سپاه روس را بکشند و در جانی دیگر تصاویری از شکارگاه و شکارگری‌های او ترسیم کنند (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۴۷). از سرگذشت این تالار بزرگ می‌دانیم که در فرآیند بازسازی حرمخانه ناصرالدین شاه از خرابی معاف می‌شود گفته شده است که اتاق‌های انیس‌الدوله، ملکه ناصرالدین‌شاه، رو به حیاطی داشته که این تالار کهن در آن برپا بوده است (معیرالممالک، ۱۳۶۱، ۱۶). قصر دیگر به نام بهشت‌آیین ویژه جلوس شاه بوده است. می‌گویند این عمارت سقفی بلند به رنگ نیلی و لاجوردی داشته است و نقش صورت‌های فلکی و ستارگان را با قطعات آبگینه ساخته و بر روی آن نصب کرده بودند. در جوانب تالار هم اشکالی از طبقات و درجات بهشت را به تصویر کشیده بودند که خیال ورود به بهشت و عروج در مراتب بالای آن را تداعی می‌کرد (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۴۶). خاکسار احتمال داده است که این بنا در زمان فتحعلیشاه به تاج‌الدوله که به نوعی در جایگاه ملکه بود، تعلق داشته و همان بخشی از ارگ بوده است که بعدها منزل مهدعلیا می‌شود (خاکسار، ۱۴۰۰، ۷۹ و ۸۰). بدین ترتیب با تطبیق شکل‌های ۲ و ۳ که در آن عمارت مهدعلیا مشخص است به نظر می‌رسد که این عمارت در جانب شرق اندرون جای داشته و به حیاط بزرگ آن وصل می‌شده است. در تصویر ۲ این بخش با نام سرای همایون مشخص شده است و این نام نیز در تطبیق با عمارت بهشت‌آیین است که ویژه جلوس شاه خوانده شده است.

پس از فتحعلی‌شاه، محمد شاه بر تخت سلطنت نشست و در این مدت تغییرات عمده‌ای در حرمسرای سلطنتی نمی‌دهد. می‌گویند که حرمسرای او خلوت و متروک بوده و زن زیاد نمی‌گرفته است. از این رو از اقدامات او در ارگ سلطنتی، به ویژه در محدوده حرمخانه، اطلاعات چندانی در دسترس نیست (نوربخش، ۱۳۸۱، ۵۰۴ و

دلریش، ۱۳۷۵، ۱۸۷). با این حال، کنت دوسرسی، سفیر فرانسه در وصف حرمسرای او آورده است: حرمسرای محمد شاه درون دیوارهایی بلندی است. این محدوده شامل اطاق‌های کوچک و مجزایی است که هر کدام به یکی از همسران شاه تعلق دارد و در میان آن‌ها استخر بزرگی جای گرفته است. در کل مجموع این اطاق‌ها در کنار هم شبیه صومعه‌های ایتالیایی است. دیوارهای داخلی آن را رنگ‌های تیز و زنده‌ای زنده‌اند. (دوسرسی، ۱۳۶۲، ۱۵۰) این وصف در تطابق با ساختار اندرون شکل ۲ و ساختار منازلی است که به دور حیاطی مرکزی جای داشته‌اند.

پس از محمد شاه، ناصرالدین شاه در طول پنجاه سال پادشاهی خود زنان زیادی را به همسری می‌گیرد و با توجه به این تعداد، او در سی‌امین دهه از سلطنتش بیشتر عمارات پیشین را تخریب و به گسترش اندرونی می‌پردازد. با این حال حرمخانه‌ای که در سال ۱۲۹۹ ق تخریب می‌شود، دقیقاً همان ابنیه برجای مانده از دوره پیشین نبوده است و در سال‌های ابتدایی سلطنت ناصرالدین نیز ساخت و سازهایی در آن می‌شود و چنان‌که اشاره کردیم، در سال ۱۲۶۸ باغ و عمارتی برای مادر شاه، مهد علیا، در شرق ارگ سلطنتی بنا می‌شود که تا آخر عمر در اختیارش بوده است (خاکسار و مظهری، ۱۳۹۰، ۲۸).



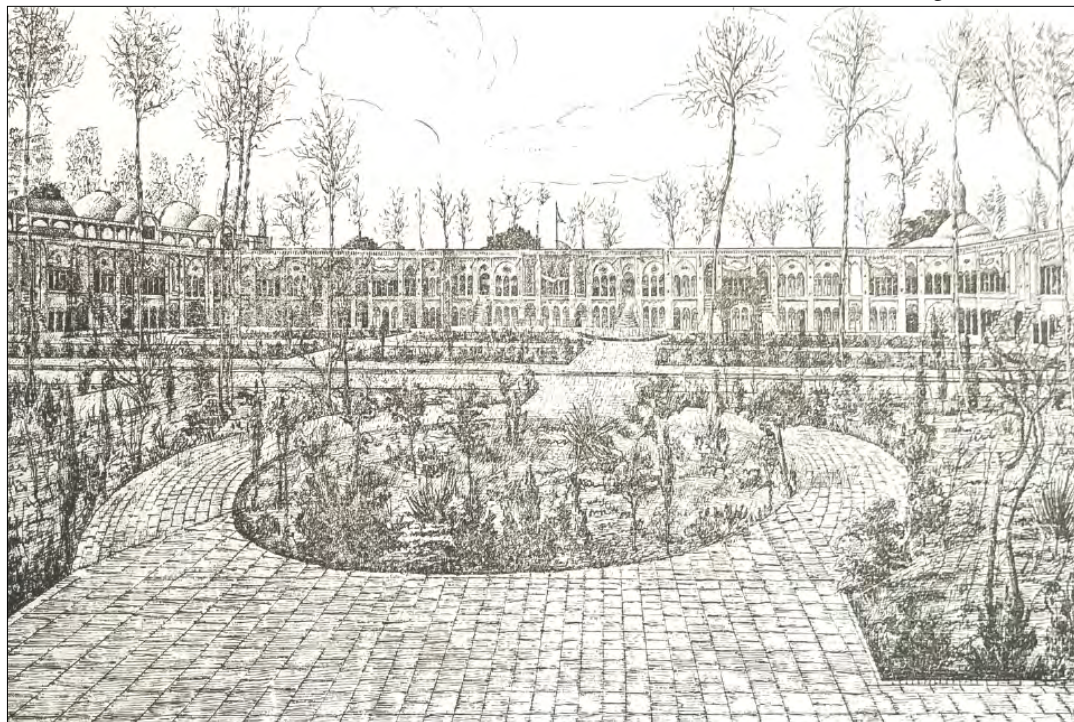
شکل ۳. بزرگنمایی محدوده حرمخانه در نقشه کرشیش متعلق به سال ۱۲۷۵ ق
منبع: tehransheasi.com

عمارت دیگر عمارت فروغ‌السلطنه است که در ۱۲۷۲ ساخته می‌شود و در اصل خوابگاه ناصرالدین شاه در اندرونی بوده است. می‌گویند روزی ناصرالدین شاه از بالای برجی در ارگ ایستاده بود و شهر را تماشا می‌کردند. در فراز برج به بنایی اشاره می‌کند و از آن می‌پرسند. روشن می‌شود این بنای مربعی شکل متعلق به حسینعلی خان معیرالممالک و به سبک فرنگی ساخته شده است. ناصرالدین شاه هم دستور ساخت چنین بنایی را در اندرون می‌دهد. این ساختمان در طول سه ماه برپا و مفروش می‌شود و شامل دو مرتبه و ۸۲ اتاق بوده است که سراسر آن را با بشقاب‌های چینی تزیین کرده بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ۹۶ و ۹۷). بدین ترتیب می‌بینیم در نقشه کرشیش می‌بینیم که چگونه خوابگاه شاه و عمارت منسوب به سوگلی او درست در وسط حیاط بزرگی جای می‌گیرد که پیش از این در شکل ۲ محوطه‌ای خالی بود.

پس از ۱۲۹۹ ق:

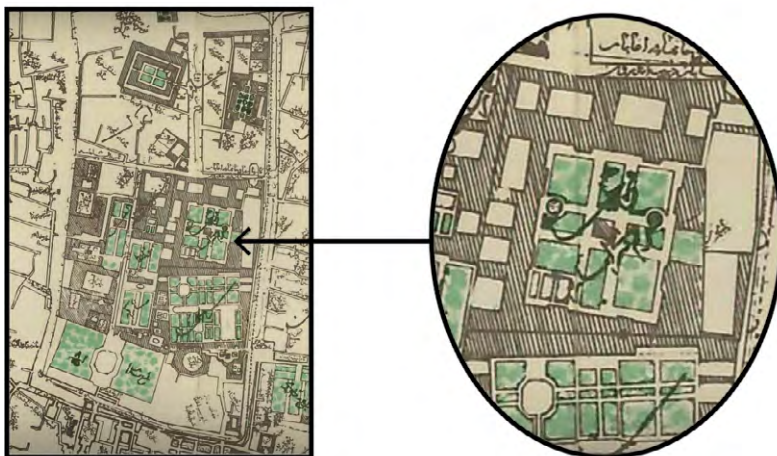
سرانجام در سال ۱۲۹۹ ق حرمخانه قدیم تخریب و برای ساخت ابنیه جدید، هر روز پنج هزار نفر از عمله، بنا، نجار، حجار و نقاش شبانه‌روز مشغول کار می‌شوند. این تلاش برای آن بود که در مدت هفت ماه و زمانی که شاه در بیلاق به سر می‌برد، ابنیه قدیم را تخریب کنند، مصالح و خاشاک آن را بیرون برند و عمارت جدید را برپا کنند.

حرمخانه جدید شامل یک حیاط بزرگ و چندین حیاط کوچکتر بوده است که دورتادور آن حیاطها را ساخته بودند و عمارت جدید دارای هزار مسکن بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ۱۱۰ و روزنامه شرف، ۱۳۰۰، ۲). با توجه به تصویر نقشه‌های آورده شده به خوبی می‌بینیم حرمسرای که تا پیش از این دارای ساختاری و پراکنده بود، در این ساخت و ساز نظم بیشتری می‌یابد و به یک حیاط مرکزی بزرگ و حیاطهای فرعی به دور آن بدل می‌شود. (شکل‌های ۴ و ۵)



شکل ۴. حیاط حرمخانه در ۱۳۰۰ ق (روزنامه شرف، ۱۳۰۰، ۱) در کتاب خاطرات اعتمادالسلطنه آمده است: «صبح زود رفتم که عمارت اندرون تازة شاه را بدهم نقاش نقشه بردارد بجهت روزنامه شرف.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ۲۰۷) گویا منظور همین تصویر است که در روزنامه نیز چاپ می‌شود و رو به ضلع غربی دارد.

پس از این ساخت و سازها، ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۳ ق فرمان می‌دهد خوابگاهی برای او در میان اندرونی بنا کنند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ۴۰۷ و ۴۲۵). این ساختمان مربعی شکل در میان حیاط و رو به شمال آن ساخته می‌شود و تماماً منفصل از ساختمان‌های دیگر بوده است. درباره طرح آن گفته شده «بوضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان» بوده و تا پیش از این، بنایی با چنین وضعی در قصر سلطنتی ساخته نشده است. خوابگاه در سه مرتبه و هر یک از طبقات آن دارای ۲۸ در بوده است. در توصیف آن آمده هر سطح بنا دارای سه روزن و پنج پنجره بوده است که داخل را تماماً روشن می‌کرده است. طبقه زیرین آن با ستون‌هایی غلامگردش مرتبه بالا را نگه می‌داشته است که دور تا دور خوابگاه را فراگرفته بود و در جلوی آن پلکانی با ۱۵ پله مرمرین سفید برای رسیدن به ورودی اصلی و این غلام‌گردش قرار داشته است (شکل ۶). ورودی آهنین بنا و تمام پنجره‌های آن را با سردرهای طاق‌دار آراسته بودند و روی آن را تماماً طرح گل و بوته گچ‌بری کرده‌اند. به طور کلی سراسر نمای بنا و سرستون‌های آن دارای تزیینات برجسته گچ‌بری و حجاری بوده است. همچنین پیرامون آن با نرده‌های آهنین نصب کرده بودند که بر رویش گلدان‌هایی زیبا جای داشته است. داخل آن نیز همچون نمای آن به انواع زینت‌ها آراسته و دارای مبلمانی سلطنتی بوده است (فووریه، ۱۳۹۰، ۲۰۲ و ۲۰۳؛ روزنامه شرف، ۱۳۰۰، ۲، دالمانی، ۱۳۳۵، ۷۸۲ تا ۷۸۴).



شکل ۵. نقشه عبدالغفار نجم‌الدوله در سال ۱۳۰۹ ق
منبع: tehransheasi.com، قسمت حرمخانه در سمت راست بزرگنمایی شده است.

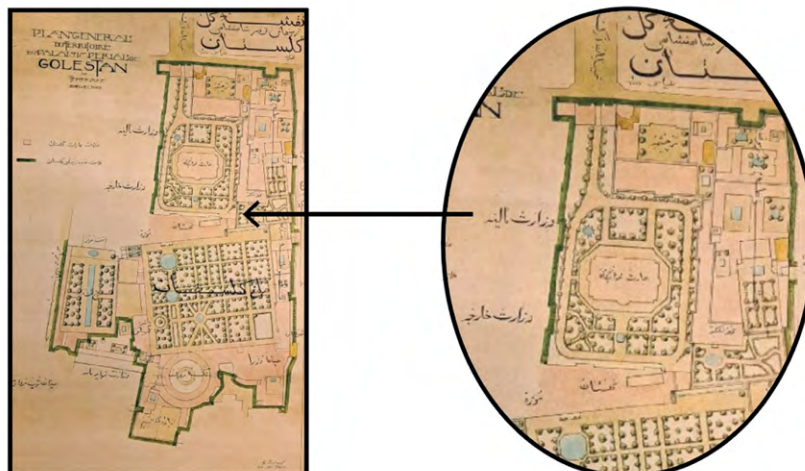


شکل ۶. خوابگاه جدید شاه
منبع: آرشیو کاخ گلستان، شماره ۲-۲۰۹

با پایان سلطنت ناصرالدین شاه و آغاز حکومت مظفرالدین شاه، وضع حرمخانه رو به افول می‌رود. عین‌السلطنه در سال ۱۳۱۸ ق و گزارش کوتاهی از وضعیت ساختمان‌ها و اندرونی کاخ گلستان داده است. به نظر می‌رسد که در این دوره با گرفتن وام از بانک استقراضی روس دوباره ساخت و سازهایی در ارگ صورت می‌گیرد و به گفته عین‌السلطنه در داخل اندرون هم تغییر و تبدیلات کلی داده می‌شود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶، ۱۴۷۸-۱۴۷۹). همچنین در عهد محمدعلی شاه و با برپایی مجلس، مقرری معین و محدودی برای شاه و شاهزادگان تعیین می‌شود

تا در هزینه‌های آنان صرفه‌جویی شود. با این مقرری محدود، شاه به داشتن یک زن عقدی بسنده می‌کند و روشن است که دیگر نه نیازی برای برپایی حرمسرای وسیع برای سکناي زنان شاه بوده است و نه دیگر بودجه‌ای برای پرداختن به عمارات و تجمعات آن مهیا بوده است (دلریش، ۱۳۷۵، ۱۸۸-۲۰۲).

سرانجام با پایان حکمرانی سلسله قاجار و روی کار آمدن پهلوی، حرمخانه ارگ سلطنتی از میان رفت و کاخ دادگستری، کاخ دارایی و بانک ملی و سایر بناهای جدید به جای آن ساخته شدند. ابتدا عمارت خوابگاه مقر وزیر دارایی، دفتر خصوصی و دفتر رییس کل دارایی آمریکایی می‌شود و حیاط‌های ضلع شرقی و شمال و غربی را تا روبروی خوابگاه خراب می‌کنند و به جای آن عمارات وزارت دارایی را بنا می‌کنند و فقط در سمت غرب عمارت خوابگاه یکی دو حیاط را باقی می‌گذارند (مستوفی، ۱۳۷۷، ۳۸۰ و ۳۸۱) (شکل ۷). با این حال برپایی عمارت به جای مانده هم پس از ساخت بنای جدید وزارت دارایی در نظر بعضی‌ها خوشایند نبوده است. در آن زمان اگرچه از طرف بعضی از دستگاه‌ها، اشخاص و روزنامه‌ها علی‌الخصوص انجمن آثار ملی تلاش‌هایی شد تا از انهدام این ساختمان تاریخی جلوگیری شود، اما هیچ یک از عوامل بازدارنده نتوانست جلوی تخریب عمارات را بگیرد و آن را شب هنگام و با عجله تماما ویران می‌کنند (ذکاء، ۱۳۴۹، ۲۵۴).



شکل ۷. بزرگنمایی بخش حرمخانه در نقشه تروفیموف از ارگ تهران مربوط به سال ۱۹۳۱ میلادی
منبع: سرانیان و سمسار، ۱۳۹۲، ۹۰. این تصویر به خوبی نشان‌گر بخش‌های حذف‌شده حرمخانه و گسترش وزارت مالیه و خارجه است.

تعامل ساختار حرمخانه و موقعیت زنان

با بررسی تحولات حرمخانه دریافتیم که بیشترین ساخت‌وسازها مربوط به دوره فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه بوده است، پادشاهانی که زنان زیادی داشتند. درباره تعداد ساکنان حرمسرای مظفرالدین‌شاه در سفرنامه دروویل آمده که بیش از هفتصد زن در آن جای داشتند که سیصد نفر از آن‌ها رسمی بودند (دروویل، ۱۳۸۸، ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۷۷). فیودورکوف نیز نوشته است که اندرونی شاه را سیصد زن تشکیل می‌دادند که اگر خدمتکاران را به این تعداد اضافه کنیم، تعداد به بیش از هزار نفر می‌رسد (فیودورکوف، ۱۳۷۲، ۱۴۱). یا درباره جمعیت حرمسرای ناصرالدین‌شاه آورده‌اند که مجموع زن شاه، خدمتکاران و مهمانانی که هر روزه آن‌جا بودند به هشتصد الی نهصد زن می‌رسید که سی الی چهل نفر خواجه هم در خدمتشان بودند (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۷، ۱۳-۱۴). فورویه هم درباره تعداد زنان نوشته است که تعداد زنان شاه اگر بیشتر از هزار نفر نباشد، کمتر هم نیست و تعداد خواجهگانی که زنان را تحت نظر داشتند چهل تن بوده است (فورویه، ۱۳۹۰، ۲۰۳). (شکل ۸)



شکل ۸. ناصرالدین شاه و تعدادی از زنان اندرونش
منبع: آرشیو تارنمای دنیای زنان در عصر قاجار

بنابراین نه تنها تعداد زنان عقدی و غیرعقدی شاه در این دوران زیاد بود، بلکه همانطور که گفته شده حضور هر کدام جمع کثیری از خدومه و کارکنانی را می‌طلبید که باز بر جمعیت حرمسرا می‌افزود. در واقع مساکنی که در آن‌ها مرد خانه زنان متعددی را به همسری درمی‌آوردند تا در کنار هم زندگی کنند، به وسعت و پیچیدگی ساختار آن می‌افزاید. در توصیف عمارات ابنیه حرمخانه دیدیم که چگونه حرمخانه گسترش یافت و هر حیاط و عمارات آن به فضاهای متعددی تقسیم شد و اتاق‌های بسیاری را در خود جای داد. در این باره می‌توان به ساخت حرمخانه حدید در سال ۱۲۹۹ ق اشاره کرد که آورده‌اند برای آن سطح زمینی در حدود ۴۷ هزار متر مربع در نظر گرفتند. در ۲۱ متر مربع آن به ساخت و ساز پرداختند و باقی را به حیاطها اختصاص دادند. عمارات جدید در مجموع بیش از ۵۰۰ اتاق را در بر داشت و تازه این تعداد بدون احتساب راهروها، راه‌پله‌ها، ۸ رختشوی خانه، ۹ حمام و ۱۵ خلوتی بود که در حرمخانه ساختند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ۱۱۰ و روزنامه شرف، ۱۳۰۰، ۲).

همچنین در این تحولات شاهد بودیم که ناصرالدین شاه برای ایجاد انضباط بیشتر در حرمخانه فرمان می‌دهد تا حیاطهای متحدالشکلی را برای زنان حرمخانه بسازند و از تمام این حیاطهای کوچک به محوطه‌ای بزرگی که در وسط باقی می‌ماند دری باز کنند و عمارتی سه طبقه‌ای برای خوابگاه او بنا نمایند تا این عمارت مسکن شاه و حیاطهای اطراف منزل زن‌های او باشد (مستوفی، ۱۳۷۷، ۳۸۰). این فرمان مشابه همان فرمانی است که برای ساخت خوابگاه او (عمارت فروغ‌السلطنه) به شکل کلاه‌فرنگی داده شده بود. چنان‌که در نقشه‌های کرشیش و عبدالغفار می‌بینیم که خوابگاه شاه پیش و پس از ساخت و سازهای سال ۱۲۹۹ ق عمارتی مستقل و مجلل و بلندتر از منازل زنان در وسط حیاط اصلی و بزرگ بوده است. این ساختار به خوبی نقش مرکزی و یگانه‌ی مرد را در زندگی زنان متعدد حرمسرای او نشان می‌دهد و بیان‌گر موقعیت متمایز او در برابر زنان ساکن حرمسراست. نمونه دیگر از همین ساختار را می‌توان در کاخ عشرت‌آباد نیز مشاهده کرد. در اندرونی این کاخ نیز منازل زنان همگی به گونه‌ای یکپارچه و شبیه‌به‌هم دور دریاچه‌ای ساخته شده‌اند و خوابگاه سه طبقه شاه مشرف بر آنان است.

حیاطها و عمارات اندرونی در بین زنان نیز طبق سلسله‌مراتب خاصی تقسیم می‌شد، چنان‌که گفته شد، زنان اندرون از نظر سلسله‌مراتب چند نمره بودند و تنها شاهزادگانی دارای عمارت اختصاصی بودند که پسرانشان می‌توانستند به سلطنت برسند. مرتبه بعدی زنان سوگلی بودند که در مواردی بر شاهزادگان هم برتری می‌یافتند و سایرین یا باهم در یک عمارت می‌زیستند یا به خدمت زنان سوگلی درمی‌آمدند (فوریه، ۱۳۹۰، ۲۰۲ و ۲۰۳).

جمع‌بندی

نمونه چنین سوگلی‌هایی، جیران، ملقب به فروغ‌السلطنه است که به عمارت او پرداختیم. درباره جایگاه او در اندرونی ناصرالدین‌شاه نوشته شده است که همه می‌دانند وقتی که جیران زنده بود، چند دست حیاط داشت و یک حیاط بزرگ با اتاق‌های دوطبقه مخصوص او بود (مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ۲۳۲)، البته بعضی خانم‌های مقرب یا جاقفاده که سمت ریاست به سایرین و حاشیه بیشتری داشتند، بیش از یک حیاط را به تصرف خود درمی‌آوردند (مستوفی، ۱۳۷۷، ۳۸۰ تا ۳۸۲).

همچنین دریافتیم که در حرمخانه مادر شاه نسبت به زنان او از جایگاه و اقتدار بالاتری برخوردار بود. همان‌طور که در نقشه‌گرشیش پیداست، بخش قابل‌توجهی از حرمخانه به عمارات مهدعلیا، مادر ناصرالدین‌شاه، اختصاص داشته است. لیدی شیل در وصف قصر مهدعلیا آن را عمارت باشکوهی خوانده که یک استخر بزرگ در وسط محوطه آن جای داشته است. همچنین او اشاره کرده است که ورودی این عمارت به اتاق مجللی ختم می‌شده است که سراسر آن آینه‌کاری شده بوده است (شیل، ۱۳۶۲، ۷۱-۷۲).

یکی دیگر از جلوه‌های موقعیت زنان سلطنتی، همان‌طور که گفته شد، همین تزیینات و تجملاتی که بود که در حرمخانه به کار می‌بستند و هر زن جایگاهی بالاتر داشت، منزلت از تجمل و شکوه ظاهری بیشتری برخوردار می‌شد. در این باره جز عمارت فروغ‌السلطنه و مهدعلیا، می‌توان به عمارت بهشت اشاره کرد که وصف تزیینات آن در بخش پیشین آمده است و به تاج‌الدوله، ملکه فتحعلی‌شاه، اختصاص داشت یا عمارت خورشید که در اختیار مادر نایب‌السلطنه ناصرالدین‌شاه درمی‌آید. با این همه می‌توان گفت که اغلب این شکوه و تجملاتی که در عمارات دیده می‌شده صرفاً ظاهری بوده است.

پولاک، پزشک ناصرالدین‌شاه، در این باره آورده است که معماری این عمارت‌ها، حتی اگر دارای شکوهی ظاهری باشد، دارای ساختاری غیراصولی و استحکامی ناکافی است. او نوشته به‌تازگی ساختمانی برای سوگلی شاه در حیاط اول ساخته شده است که در نظر ایرانیان دارای جلال و جبروت است، اما این ساختمان هم همچون سایرین دارای نقایصی است که در معماری جدید ایران مشهود است. دیوارهای گلی ساختمان را با گچ و سنگ مرمر پوشانده‌اند. ستون‌های آن را که با گچ پوشانده‌اند، سست و نازک است. پله‌های آن تنگ و با شیب تند ساخته شده است. بازشوها و طرح آن به گونه‌ای است که آدم را یاد خانه‌های مقوایی می‌اندازد که با هر ضربه ممکن است فروبریزد (پولاک، ۱۳۶۸، ۷۳).

همچنین دانستیم که یکی دیگر از علائم تجمل در زندگی زنان سلطنتی زیادی خدمه آن‌ها بود و هرچه خدمه بیشتری داشتند، شأن و موقعیت آن‌ها بالاتر می‌رفت. مجموع این افراد که گاهی بیشتر از زنان رسمی و بلندمرتبه حرمخانه بودند در همان عمارت و حیاط زنی جای داشتند که به آن خدمت می‌کردند (عضدالدوله، ۱۳۷۶، ۳۳ و مونس‌الدوله، ۱۳۸۰، ۲۳۲). درباره حرمسرای ناصرالدین‌شاه می‌دانیم که در هر عمارت اتاق‌های طبقات زیرین آن مال خدمتکارها و طبقه فوقانی برای خانم‌ها بوده است. در ضلع شمالی و دو طرف جلوخان در اندرون، یکی دو حیاط یک طبقه هم بوده است که به مستخدمان حرمخانه، خواجه‌سرایان، شیخ‌الحرم و از این قبیل کارکنان اختصاص داشته است (مستوفی، ۱۳۷۷، ۳۸۰-۳۸۲ و پولاک، ۱۳۶۸، ۷۳ و ۱۵۶-۱۶۴). بنابراین نه تنها سلسله مراتب میان زنان شاه تعیین‌کننده منزل آنان در حرمخانه بود، بلکه جای‌گیری حیاط خدمه در حاشیه حرمخانه یا در طبقات زیرین منازل آنان نیز بیانگر موقعیت متمایز بانوان حرمخانه با خادمشان بود.

از سوی دیگر قرارگیری منازل خدمه در مجاورت جلوخان و اطراف آن، این امکان را می‌داد تا واسطی میان زنان ساکن در اندرون و محدوده بیرون از آن باشند و هم بتوانند به‌خوبی از آن حراست کنند. چرا که موقعیت زنان سلطنتی نظارت ویژه‌ای را بر حرمخانه می‌طلبید. بنابراین نه تنها حرمخانه با دیوارهای چینه‌ای بسیار مرتفعی حفاظت می‌شد، بلکه نظارت خواجهگان و نگهبانان بر ورود و خروج به آن ضروری می‌نمود و حتی ورود شخص شاه به آن مقدماتی داشت (مستوفی، ۱۳۷۷، ۳۸۰-۳۸۲).

در این مقاله به دنبال آن بودیم که بدانیم تعامل میان حرمخانه ارگ و شیوه زندگی ساکنانش چگونه بوده است. در این راه ابتدا از دیدگاه راپاپورت بهره جستیم تا نشان دهیم چگونه محیط ساخته‌شده تحت‌تأثیر مقاصد پیچیده انسانی و منتج از عناصر فرهنگی است. این عناصر را برشمردیم و دانستیم که سبک زندگی یکی از اصلی‌ترین

- نمودهای فرهنگ است و دریافتیم که مقام و موقعیت زن نقشی اساسی در تأثیر سبک زندگی بر کالبد خانه دارد. بنابراین با توجه به آن که حرمخانه ارگ محدوده‌ای بوده که زندگی خانوادگی شاه در آن جریان داشته است، به دنبال مؤلفه‌هایی گشتیم که ارتباط بین موقعیت زنان سلطنتی و حرمخانه ارگ را بر ما آشکار کند. بدین منظور ابتدا به مفهوم حرم پرداختیم و دیدیم که حرمخانه را قسمتی از خانه می‌گویند که محل اقامت زنان و فرزندان و استراحت شبانه مرد خانه است، جایگاهی که از حرمت خاصی برخوردار است و غریبه به آن راه ندارد. همچنین دانستیم که حرم در اشاره به زنان ساکن آن هم به کار می‌رفته است. سپس به سراغ موقعیت زنان حرمخانه شاه در دوران قاجار رفتیم و به بررسی تحولات ساختاری حرمخانه ارگ تهران پرداختیم. از این بررسی به نتایج زیر دست یافتیم:
۱. زنان شاه متعدد بودند و بنابر موقعیتشان خادمان متعددی در اختیار داشتند، بنابراین حرمخانه مطابق با جمعیتی که دربر می‌گرفت از نظر ساختاری پیچیده‌تر می‌شد و گسترش می‌یافت.
 ۲. موقعیت همسران شاه با یکدیگر متفاوت بود و بنابر عقدی بودن یا از خانواده معتبر بودن، به چند نمره تفکیک می‌شد و این سلسله‌مراتب درونی تعیین‌کننده جایگاه و عمارت زنان بود.
 ۳. به دست آوردن توجه و محبت شاه نیز می‌توانست این سلسله‌مراتب را بشکند و زنان سلطنتی با سوگلی شدن، از باقی متمایز می‌شدند.
 ۴. قرارگیری خوابگاه شاه در مرکز و چینش عمارات زنان شاه به دور آن نشانگر موقعیت یگانه و مرکزی شاه در حرمخانه بود.
 ۵. مادر شاه جایگاهی بالاتر از همسران شاه داشته و بخش بزرگی از حرمخانه ناصری، چنان‌که در نقشه کرشیش مشهود است، در تصاحب مهدعلیا بود
 ۶. زنی در حرمخانه از احترام بیشتری برخوردار بود که خدمه بیشتری داشته باشد. قرارگیری اتاق خدمه در اتاق‌های زیرین عمارت و حیاط‌های اطراف جلوخان نیز باز تثبیت‌کننده موقعیت متمایز بانوان حرمخانه نسبت به خادمان در این ساختار بوده است.
 ۷. زنان حرمخانه در مقامی بودند که باید از آن به‌خوبی حراست می‌شد، بنابراین علاوه بر حفاظت حرمخانه با چینه‌هایی بلند، خدمه، به‌ویژه خواجگان، وظیفه نظارت بر ورود و خروج را داشتند. قرارگیری منازل این افراد در اطراف جلوخان در راستای همین وظایف بود.
 ۸. همچنین قرارگیری خادمان و خواجگان نزدیک به محل ورود و خروج سبب می‌شد تا مراودات آن‌ها را با خارج از محدوده حرمخانه هموار سازند.
 ۹. تجملات یکی دیگر از چیزهایی بود که عمارات زنان از هم متمایز می‌ساخت، بدین ترتیب که عمارات باشکوه و پرتزیین همگی به زنان بلندمرتبه حرمخانه و مادر شاه اختصاص می‌یافت، با این حال دریافتیم که این شکوه و تجملات همگی ظاهری بوده و عمارات آنان کیفیت ساخت و استحکام چندان بالایی نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

1. built environment
2. genre de vie
3. position of women
4. Privacy
۵. البته شبستان مسجد معنای دیگری دارد و جایی را گویند که درویشان و غیر ایشان در آن عبادت کنند و شب‌ها به خواب روند.

- آرشیو کاخ گلستان، شماره ۲-۲۰۹
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۲)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر الأثار)*، جلد ۱، تهران: اساطیر.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۵۰)، *روزنامه خاطرات (با مقدمه و فهارس ایرج افشار)*، تهران: امیرکبیر.
- اولیویه (۱۳۷۱)، *سفرنامه اولیویه (مترجم: محمدظاهر میرزا)*. تهران: اطلاعات.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۷)، *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: انتشارات ابن سینا.
- برزویی، سحر (۱۳۹۲) ارگ تاریخی تهران در دوره ناصری: فضاها، انتظام فضایی و سیر تحول آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات معمار ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- برهان، محمد حسین بن خلف (۱۳۸۰)، *فرهنگ فارسی برهان قاطع*، تهران: نیما.
- بهشتی، محمد و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۸)، *فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی: اصطلاحات و مفاهیم*، تهران: موسسه تالیف و ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- آداب معاشرت نسوان (۱۳۹۴)، در: *روح‌انگیز کراچی، خشونت مشفقانه*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان (مترجم: کیکاووس جهانداری)*. تهران: خوارزمی
- تاج السلطنه (۱۳۷۷)، *خاطرات تاج السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه*، چاپ سوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- خاکسار، عباس (۱۴۰۰)، *ارگ سلطنتی طهران کاخ گلستان*، تهران: فرهنگ صبا.
- خاکسار، عباس (۱۳۹۷)، *دلایل ساخت و گسترش ارگ سلطنتی تهران (کاخ گلستان) در دوره‌های صفویه، زندیه و قاجار (۱۳۴۴-۹۰۷ ق)*، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- خاکسار، عباس؛ مظهري، سيدمحمدرضا (۱۳۹۰)، *ایستاده در تاریخ (بازشناسی عمارت‌های از میان رفته کاخ گلستان)*. کاغذ اخبار (فصلنامه کاخ گلستان)، ۱۱، ۲۲-۳۰.
- دالمانی، هنری رنه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری (مترجم: محمدعلی فره‌وشی)*، تهران: ابن سینا و امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۸)، *سفرنامه دروویل (مترجم: جواد محیی)*، تهران: گوتنبرگ.
- دوسرسی (۱۳۶۲)، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م (مترجم: احسان اشراقی)*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵)، *زن در دوره قاجار، تهران: حوزه هنری*.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۹)، *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- رسولی، نیلوفر (۱۳۹۷)، *درآمدی بر رویکردهای جنسیتی در معماری ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، تهران: دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۹۲)، *انسان‌شناسی مسکن (مترجم: خسرو افضلیان)*، تهران: کتابکده کسری.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۲)، *خاستگاه‌های فرهنگی معماری (مترجم: صدف آل رسول و افرا بانک)*. خیال (فصلنامه فرهنگستان هنر)، ۸، ۹۷-۵۶.
- روزنامه شرف (۱۳۰۰)، ۳، ۱-۲.
- زانوسی، فرشته (۱۳۹۹)، *بررسی عمارت‌های اندرونی کاخ گلستان (با استناد به متون تاریخی و عکس‌های دوره ناصری)*، مطالعات ایران‌شناسی، ۱۸، ۲۳-۵۵.
- سراثیان، فاطمه؛ سمسار، محمدحسن و مقدم، رضا (۱۳۹۲)، *سیمای تهران*، جلد ۲، تهران: زیران.
- شیل، مری لئونورا وولف (۱۳۶۲)، *خاطرات لیدی شیل (مترجم: حسین ابوترابیان)*، تهران: نشر نو.
- عضدالدوله (۱۳۷۶)، *تاریخ عضدی (با توضیحات و اضافات عبدالحسین نوایی)*، تهران: نشر علمی.
- عین السلطنه (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور): روزگار پادشاهی مظفرالدین شاه*، جلد ۲، تهران: اساطیر.

- فرمانفرمایان، مهرماه (۱۳۹۳)، زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی)، تهران: کویر.
- فووریه، ژوانس (۱۳۹۰)، سه سال در دربار ایران (مترجم: عباس اقبال آشتیانی). تهران: انتشارات پیر.
- فیودورکوف (۱۳۷۲)، سفرنامه فیودورکوف (مترجم: اسکندر ذبیحان). تهران: فکرروز.
- کاساکوفسکی (۱۳۴۴)، خاطرات کلنل کاساکوفسکی (مترجم: عباسقلی جلی). تهران: کاویان.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد ۱، تهران: زوار.
- معمدلی، محسن (۱۳۸۱)، جغرافیای تاریخی تهران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معتقدی، کیانوش و ناموریکتا، نامی (۱۴۰۰)، از باغ گلستان تا کاخ گلستان، تهران: نشر دانیار.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۱)، یاداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه. تهران: نقش جهان.
- مونس الدوله (۱۳۸۰)، خاطرات مونس الدوله (به کوشش سیروس سعدوندیان). تهران: زرین.
- ناصرالدین شاه (۱۳۶۹)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (به کوشش اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- نوربخش، مسعود (۱۳۸۱)، تهران به روایت تاریخ (تهران از عهد باستان تا عصر ناصری)، جلد ۱، تهران: علم.
- ویشارد، جام (۱۳۶۳)، ۲۰ سال در ایران (مترجم: علی پیرنیا)، تهران: انتشارات نوین.
- ویلس، چارلز جیمز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه (به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام). تهران: انتشارات زرین.
- هدایت. رضا قلی بن محمد هادی (بی‌تا)، فرهنگ انجمن آرای ناصری، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

- Rapoport, A. (2005), *Culture, Architecture, and Design*, Chicago: Locks Science Publishing Company.
- Rapoport, A. (1969), *House Form and Culture*, Englewood Cliffs, Nj: Prentice-Hall.
- Rapoport, A. (1990), Systems of activities and systems of settings, in Susan Kent (Ed), *Domestic Architecture and the Use of Space*, Massachusetts: Cambridge University Press.
- Stender, M and others (Ed) (2021), *Architectural Anthology: Exploring Lived Space*, London: Routledge.
- آرشیو تارنمای دنیای زنان در عصر قاجار:

<http://www.qajarwomen.org/fa/items/1261A58.html>

تهران‌شناسی:

<https://tehranshenasi.com/1395/10/24/عبدالغفار/>

نحوه ارجاع به این مقاله

پناهی، فاطمه (۱۴۰۳). حرمخانه ارگ تهران در دوره قاجار. *اندیش‌نامه معماری داخلی*، ۳(۳)، ۵۴-۷۰.

Panahi, F. (2025). The Harem of Tehran citadel during Qajar period. *Andišnâme-ye Me'mâri-ye Dâxeli*, 3(3), 54-70.



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)